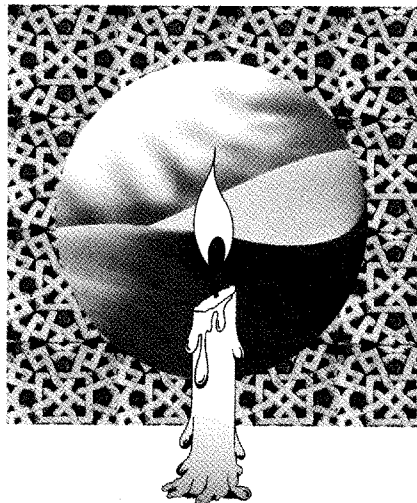


# اماکن و آثار



# علی بن جعفر علیه السلام

## باسدار حریم ولایت



محمدرضا نعمتی

آنچه در پیش رو دارید، نقد و نظری است گذرا بر این باور تعصب آلود برخی فرقه‌های اسلامی که: «بنای بر قبور و زیارت درگذشتگان شرک است!» و بر این اساس، تخریب قبور و بناهای ساخته شده بر روی آنها را، شرک ستیزی قلمداد می‌کنند و حتی گاه به آن هم بسنده نکرده، پس از تخریب، اقدام به نبش قبور و نقل جنازه‌ها و یا بقایای آنها به مناطق تحت کنترل می‌کنند؛ چنانکه چندی پیش در تخریب مسجد، آرامگاه و کتابخانه علی‌عریضی فرزند برومند امام صادق علیه السلام، شاهد آن بودیم.

برگزیدگان با مشرکان، همواره بر سر همین مسأله؛ یعنی دعوت به توحید و ستیز با شرک بوده است. تحمل آزارها و شکنجه‌های کفار و مشرکین از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش در مکه - که منجر به هجرت مهاجران گردید - در همین راستا است. اگر مهاجران و انصار پرچم توحید

اسلام و شرک ستیزی شرک، پدیده‌ای است که به فرموده قرآن کریم، فلسفه بعثت و رسالت تمام پیامبران، مبارزه و ستیز با آن و دعوت به توحید بوده است. تاریخ زندگی تمام فرستادگان خدا و پیروان آنان، گویای این حقیقت است که درگیری‌ها و مخالفت‌های این

را در ۲۶ غزوه و ۳۶ سرّیه بدوش کشیدند، برای تحقق همین شعار و شعور بود. آنان هستی خویش را هزینه کردند تا شرک را از سرتاسر جزیره العرب بزایند و برای رسیدن به هدف هر جا که رسیدند، بتخانه‌ها را ویران و مساجد را برپا نمودند و با هر چه که رایحه شرک از آن استشمام می‌شد، به سختی جنگیدند. آنان انگیزه خویش از عملیات‌های نظامی را اینگونه توضیح می‌دادند که: ما برای آزاد سازی بندگان از بندگی و بردگی انسان‌ها و دعوت ایشان به بندگی خداوند پیاخاسته‌ایم.

و بدین ترتیب، بدیهی است اصحاب رسول الله ﷺ که سالیان سخت مبارزه‌های کلامی و نظامی را با مشرکان عصر خویش پشت سر گذاشتند، خود از نخستین گرایش یافتگان به توحید و از مخالفان شرک جاهلی بودند و بهتر از هر کسی، از مفهوم شرک و توحید آگاهی داشتند. پس برخورد آنان با نمادها و مظاهر و مصادیق شرک، می‌تواند راهکار و مایه تأسی عصرها و نسل‌های بعد باشد. آنان هیچ‌گاه وجود گنبد و بارگاه بر روی قبور و آرامگاه‌های انبیا و اولیای الهی را، در سیره و سخن،

کاری شرک آلود و سزاوار تخریب تلقی نکرده‌اند.

چنانکه مسلمانان، پیکر مطهر پیامبر خدا ﷺ را در خانه خودش به خاک سپردند و اگر چنین کاری شرک بود، آن حضرت را در فضایی باز دفن می‌کردند. و نیز نوشته‌های تاریخ‌نگاران و سفرنامه‌نویسان، گواه از وجود بنا بر فراز قبور ائمه بقیع علیهم‌السلام و برخی از صحابه؛ مانند عباس و عثمان و... بوده و هیچ‌یک از صحابه، تابعین و تابعین تابعین و طبقات بعدی و فقهای مدینه و... نه تنها در مورد عدم مشروعیت آن سخنی به میان نیاورده‌اند، که پیوسته به زیارت آنان می‌رفته‌اند.

و اصلاً حکم بنای بر قبور، که اباحه، یا کراهت، یا استحباب و... باشد، مسأله‌ای است که به حوزه فقه و احکام شرعی مربوط می‌گردد نه حوزه اعتقادی، تا درباره آن از توحید و شرک سخن گفته شود! پس چگونه می‌شود که مسلمانی آگاه، با استفاده ابزاری از مسائل اعتقادی، آن را وسیله تکفیر و شرک دیگران قرار دهد. بلکه همانگونه که اشاره شد، اختلاف در این باره، مانند اختلاف دیدگاه در دیگر مسائل فقهی





است که میان مذاهب اسلامی وجود دارد و ساختن مسجد و نمازگاه بر قبور آنان نیز از این مسأله مستثنا نمی‌باشد.<sup>۱</sup>

### قرآن کریم و بنای بر قبور

قرآن کریم در داستان اصحاب کهف، سخن دو گروه از مردم را، که قبور آنان را مشاهده کردند و در مورد شیوه زنده نگهداشتن یاد و خاطره آنان اختلاف نظر نمودند، اینگونه آورده است:

«...برخی گفتند بر روی قبورشان ساختمان یادبودی بنا کنند تا در خاطره‌ها ماندگار باشند و بعضی پیشنهاد کردند که مسجدی بر فراز آن بسازند؛ ﴿قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا﴾.<sup>۲</sup>

مفسران می‌گویند: نظریه دوم سخن مؤمنان آنها بود و از آنجا که در قرآن بر نظریه دوم، رد و نقدی نیامده، می‌توان نتیجه گرفت که این نظریه مورد تأیید قرآن کریم است؛<sup>۳</sup> زیرا ساختن بنا یا مسجد بر قبور انسان‌های صالح و اسوه، احترام به ارزش‌هایی است که آنان به آن ارزش‌ها آراسته بودند و هیچ‌گونه تضادی با مسأله یکتاپرستی و اعتقاد و

عمل یک مسلمان نمی‌تواند داشته باشد؛ چنانکه پیشنهاد بنای مسجد بر محل دفن اصحاب کهف، به خاطر فداکاری، شرک ستیزی و ایمان آنها بوده است.

### زیارت قبور و عبرت آموزی

زیارت قبور نیز در جای خود، دارای آثار و فواید مثبتی است که در قرآن کریم، در ضمن آیات مربوط به اصحاب کهف، مطرح گردیده است: ﴿وَكَذَلِكَ أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا﴾؛<sup>۴</sup> «و بدینگونه ما مردم را به حال آنان واقف ساختیم، تا بدانند وعده خدا [قیامت] حق است و تردیدی در پایان جهان نیست.»

و اگر تنها همین یک نتیجه بر زیارت قبور مترتب گردد، کافی است که مرد و زن مسلمان همواره به زیارت در گذشتگان اقدام کنند؛ زیرا فراموشی از روز حساب و جنایت‌ها و گمراهی‌ها و کیفرهای اخروی می‌شود، چنانکه در سوره «ص» فرموده است: ﴿...إِنَّ الَّذِينَ يَصِلُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ﴾؛<sup>۵</sup> «کسانی که از راه خدا به گمراهی و انحراف کشیده شدند، عذابی

سخت، به خاطر فراموش کردن روز حساب در انتظارشان می‌باشد.

عبدالله بن ابی ملیکه می‌گوید: روزی باعایشه که از قبرستان باز می‌گشت، برخورد نمودم و از او پرسیدم: از کجا می‌آیی؟ گفت: از سر قبر برادرم عبدالرحمان. از او پرسیدم: آیا پیامبر از آن منع نکرد؟ پاسخ داد: آری، «کان نهی عن زیارة القبور ثم أُسِرَّ بزيارتها»؛<sup>۶</sup> «پیشتر، از زیارت قبور نهی کرده بود، اما باردیگر دستور زیارت آنها داد.»

از این رو ترمذی در ذیل حدیث ابوهریره - که می‌گوید: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ لَعَنَ زَوَارَاتِ الْقُبُورِ»<sup>۷</sup> - آورده است: «إِنَّ هَذَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَرْخُصَ فِي زِيَارَةِ الْقُبُورِ، فَلَمَّا رَخَّصَ دَخَلَ فِي رِخْصَةِ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ»؛<sup>۸</sup> «این نهی مربوط به پیش از اجازه آن حضرت در مورد زیارت قبور بود، پس از آنکه اجازه داد، این اجازه شامل زن و مرد می‌گردد.»

بدین ترتیب، می‌بینیم که وجود آرامگاه، کتابخانه، مسجد و هر بنای یادبودی بر روی قبور درگذشتگان مؤمن و به خصوص پیامبران، امامان و اولیا و صالحان و زیارت قبور آنان، در اسلام منع نشده است و برخی روایات که در

این زمینه در کتب اهل سنت آمده است قابل استناد نیست، چنانکه آقای دکتر زکی یمانی، از چهره‌های سرشناس حجاز به آن اشاره و آن را نقد کرده است.

### حمایت از حریم ولایت

روایت و حدیث، پس از قرآن کریم، نخستین منبع استنباط احکام است و بخش عظیمی از فرهنگ غنی و قوی اسلام از راه سنت و حدیث پیامبر خدا و اهل بیت معصوم علیهم‌السلام به مسلمانان رسیده است، و از این رو، حدیث دارای جایگاه مهمی است و محدثان حق بزرگی بر جامعه اسلامی دارند؛ زیرا آنان با تلاش و کوشش خویش در عصر تقیه و خفقان، علوم مختلف اسلامی را از پیشوایان راستین دریافت کرده و از راه نقل و نشر شفاهی و کتبی آنها، نسل‌های بعدی را از ثمرات آن برخوردار ساخته‌اند. در این راستا، امام صادق علیه‌السلام برای جلب افکار عمومی به جایگاه ولایت محدثان به معاویة بن عمار می‌فرماید:

«رَأَوِيَهُ لِحَدِيثِنَا يُبَيِّتُ فِي النَّاسِ وَ يُشَدِّدُ فِي قُلُوبِ شِيعَتِنَا أَفْضَلَ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ»؛<sup>۹</sup> «کسی که احادیث فروان ما را در میان مردم منتشر سازد، به وسیله آنها،





ایمان قلبی شیعیان ما را تقویت نماید، برتر  
از هزار عابد است.»

داود بن قاسم، کتاب «یوم و لیلۃ»  
یونس مولی آل یقطین را به امام حسن  
عسکری علیه السلام ارائه می دهد، حضرت  
می فرماید:  
«أعطاه الله بكل حرفٍ نوراً یوم  
القیامة».<sup>۱۰</sup>

«خداوند در برابر هر واژه آن، نوری  
در قیامت به او می بخشد.»

علی بن جعفر علیه السلام از امامزادگان  
جلیل القدر و محدثان بزرگوار است که  
به برکت عمر نسبتاً طولانی خویش،  
احادیث بسیاری از سرچشمه زلال  
ولایت دریافت و با نقل شفاهی و  
مکتوب آنها، جامعه شیعی را از آنها  
بهره مند ساخت.

شیخ مفید علیه السلام درباره او می نویسد:  
«کان علیه السلام راویة للحديث، سدید الطریق،  
شدید الورع، کثیر الفضل».<sup>۱۱</sup>

امین الإسلام طبرسی نیز از او به  
عنوان «راویة للحديث، کثیر الفضل و  
الورع»<sup>۱۲</sup> یاد می کند. «تعبیر راویة  
للحديث»، به جای «راوی»، از او، برای  
آن است که «الراویة صیغة مبالغة، أي کثیر  
الروایة»؛<sup>۱۳</sup> «روایة صیغة مبالغة است و به

محدثی گفته می شود که اخبار بسیاری  
روایت کند.»

علی بن جعفر - که رحمت خداوند  
بر او باد! - کسی است که روایات بسیار  
نقل کرده، با سند محکم. او دارای فضل  
و دانشی سرشار و پرهیزکاری فراوان  
است.

علی بن جعفر و حوزه های فعالیت او:

الف: مدینه: علی بن جعفر در  
عصری می زیست که از میان تمام  
امکانات، که برای نشر و توسعه یک  
مکتب لازم است، تنها اخذ و نقل حدیث  
به صورت محدود امکان پذیر بود،  
آن هم گاه وضعیتی پیش می آمد که  
دسترسی مردم به پیشوایان معصوم  
دشوار می شد.

چنانکه هارون بن خارجه از مردی  
شیعی سخن می گوید که زن خود را در یک  
نوبت سه طلاقه کرده و بعد از پشیمانی،  
نزد امام صادق علیه السلام - که در حیره تحت نظر  
و ممنوع الملاقات بوده - می رود و ناگزیر  
با پوشیدن لباس روستایی و تظاهر به شغل  
خیار فروشی، خدمت امام علیه السلام می رسد،  
امام به او می فرماید: «ما أجد ما احتلت»؛  
«به راهکار خوبی توسل جستگه ای،



خویش را به بیرون از زادگاهش (مدینه) نیز گسترش داد و به هر جا که مقتضی دید، هجرت کرد. عالم بزرگوار محمد تقی مجلسی رحمته الله علیه، پدر بزرگوار مرحوم علامه مجلسی می نویسد: به طور مسموع، اهل کوفه، علی بن جعفر را به کوفه دعوت کردند و او برای مدت زمانی در آنجا اقامت کرد «و أخذ أهل الكوفة الأخبار منه، و أخذه منهم أيضاً»؛ «محدثان کوفه، به اخذ حدیث از محضر او مشغول بودند و او نیز از احادیث آنها بهره می گرفت».<sup>۱۷</sup>

وی در ادامه سخن خود می افزاید: «ثم استدعى القميين إليهم نزوله إليهم، فنزلها، و كان بها حتى مات بها».<sup>۱۸</sup> «پس از گذشت مدتی از اقامت او در کوفه، محدثان قمی از او خواستند تا به قم برود و او به آنجا وارد شد و تا هنگام وفات در قم زیست.»

تردید نیست که فراخوانی او به قم که پایگاه جمعی از محدثان نامدار شیعه بود، نیز به منظور استفاده از محضر او صورت گرفته است. گرچه بعضی همچون مجلسی دوم و مرحوم مامقانی ورود او به قم را به دلایلی که از نظر آنها صحیح بوده است، درست ندانسته اند.

و سپس پاسخ صحیح را از آن حضرت می شنود».<sup>۱۴</sup>

و بدین سان اصحاب از فرصت های پیش آمده، حداً کثر بهره برداری را در جهت نشر حدیث می کردند. و علی بن جعفر از جمله آنان بود. او در مدت سکونت خود در مدینه، در مسجد النبی می نشست و احادیث ائمه رحمته الله علیهم را روایت می کرد، در این راستا، محمد بن حسن بن عمار می گوید:

«كُنْتُ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ جَالِسًا بِالْمَدِينَةِ وَكُنْتُ أَقْمُتُ عِنْدَهُ سَتَيْنَيْنِ أَكْتُبُ عَنْهُ مَا يَسْمَعُ مِنْ أَخِيهِ يَغْنِي أَبَا الْوَحْشَنِ الْحَسَنِ رحمته الله علیه».<sup>۱۵</sup>

«من نزد علی بن جعفر در مدینه نشسته بودم و مدت دو سال بود که روایاتی را که او از برادرش ابوالحسن [امام کاظم رحمته الله علیه] نقل می کرد می نوشتم.»

و ابن عسبه می گوید: در روایت آمده است که علی غریضی در جمع اصحاب و شاگردانش نشسته بود، محمد بن علی [امام جواد رحمته الله علیه] وارد شد، علی بن جعفر از جا برخاست و او را در جایگاه خویش نشاند و تا او آنجا بود به احترام او سخن نگفت.<sup>۱۶</sup>

علی بن جعفر حوزه فعالیت علمی



## وفات علی بن جعفر

در عریض می‌باشد.

تاریخ وفات آن بزرگوار؛ مانند تاریخ ولادتش، به‌درستی مشخص نیست و تنها این اندازه روشن است که او فرزند کوچک حضرت امام صادق علیه السلام بوده و در کودکی پدر را از دست داده و به نقلی تا عصر امام هادی علیه السلام زیسته است<sup>۱۹</sup> و به تقریبی که در جای خود گفته شده، ولادتش احتمالاً در سال ۱۳۵ و درگذشت وی در سال ۲۲۰ بوده است. و بدین ترتیب مدت زمان حیات او به ۸۵ سال بالغ می‌گردد<sup>۲۰</sup> ولی مرحوم مامقانی در صد احتمالات را بالاتر برده و عمر او را به ۱۲۰ سال افزایش داده است.<sup>۲۱</sup>

و از میان اهل سنت، ذهبی و ابن حجر تاریخ وفات او را سال ۲۱۰ ه. ق. ثبت کرده‌اند.

## آرامگاه علی بن جعفر

از آنجا که در مورد هجرت او به ایران اختلاف نظریه‌هایی وجود دارد، در نتیجه، دامنه آن به محل آرامگاه او نیز کشیده شده و از این رو در این باره سه نظریه گفته‌اند: قم، سمنان و عریض. ولی دو مورد نخست اعتبار چندانی ندارد و آنچه معروف‌تر است، بودن آرامگاه او

عریض تصغیر عَرَض یا عَرَض است، و در حوادث مربوط به عریض آمده است. ابوسفیان در جریان تاخت و تازهای خود به نواحی مدینه، آنجا را مورد تجاوز قرار داده و درختچه‌های نخل را به آتش کشیده است. این منطقه در شرق مدینه واقع است و دارای نخلستان معروفی است و سادات عربی که نسب آنان به علی بن ابی طالب علیه السلام می‌رسد، به آنجا منسوب‌اند.<sup>۲۲</sup>

عریض در گذشته در یک کیلومتری مدینه قرار داشته لیکن اکنون جزو شهر گردیده است.

مرحوم محدث نوری که خود او را در آنجا زیارت کرده و معتقد است که آرامگاه او در عریض است اینگونه آورده است: «و علیه قبة عالیه» «بر روی آرامگاه او گنبد و بارگاهی رفیع وجود دارد.»<sup>۲۳</sup>

علی بن جعفر و محدثان بزرگوار او، چون او، حقی بزرگ بر جامعه اسلامی ما دارند و کمترین حق آنها حرمت نهادن با زیارت قبور مطهر آنها است ولی متأسفانه در سال گذشته چنانکه در گزارش مربوط به این حادثه تألم‌بار



آمده، مسجد و آرامگاه آن بزرگوار تخریب گردیده است.

تخریب مسجد، کتابخانه و آرامگاه علی بن جعفر علیه السلام

یکی شاهدان عینی ماجرا را چنین تعریف می کند:

سپیده دم یکی از روزهای اوایل شهریور ۱۳۸۱ شمسی که هوا هنوز تاریک و روشن بود، جمعی از نیروهای نظامی عربستان، به سوی منطقه عریض سرازیر شدند. آنان سخت مسیر عبور و مرور مردم را از دو سوی راه منتهی به حرم علی بن جعفر علیه السلام مسدود کردند و سپس با ماشین آلاتی که با خود به همراه آورده بودند، به گونه ای شتابزده به تخریب مسجد و مقبره آن بزرگوار پرداختند و سپس در اقدامی غیر انسانی و اسلامی، دو قبیری را که در آنجا قرار داشت، نبش کردند.

در یکی از آنها، تنها قطعاتی استخوان وجود داشت و از آرامگاه دیگر، پیکری تازه و سالم پدیدار شد، به گونه ای که گویی، روز پیش از این حادثه به خاک سپرده شده بود، بی درنگ آنها را با آمبولانسی که در محل حاضر بود،

به سوی قبرستان بقیع انتقال دادند و سپس در قسمت مرتفع، آنجا که آرامگاه ائمه اطهار علیهم السلام قرار دارد، دفن نمودند.

آقای زکی یمانی، درباره تخریب قبر علی بن جعفر عریضی و دیگر آثار اسلامی در آن کشور، سوگمندانه می نویسد:

«... من از طرح ها و توطئه های پیدا و پنهانی که درباره آثار اسلامی در جریان است، بسیار بیمناکم. اقدام اخیری که در مورد قبور خاندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله انجام پذیرفت و در جریان آن، مسجد، مدرسه و کتابخانه علی عریضی، فرزند امام جعفر صادق علیه السلام، نواده رسول خدا صلی الله علیه و آله تخریب گردید، به اندازهای زشت و هولناک است که خطرهای خارجی را از یاد می برد؛ چرا که خسارات آن ها روزی جبران می گردد ولی خطرهایی که آثار اسلامی را تهدید می کند، برای همیشه آنها را به نابودی می سپارد و من احساسم این است که توطئه ای حساب شده برای حذف و نابودی آنها از عرصه هستی در جریان است.

اگر من بخواهم آماری از آثار مهم اسلامی که تاکنون در مکه مکرمه و در مدینه منوره به بهانه جلوگیری از بدعت و





شرک، تخریب گردیده‌اند بشمارم، سخن به درازا می‌کشد و در نتیجه از هدف اصلی دور می‌افتم. آنچه اینجا می‌نویسم در حقیقت رنجنامهٔ مظلومی است که پیمانۀ شکیبایی‌اش لبریز گردیده و توان سکوت را از دست داده است.

اسلام یگانه دینی است که تاریخ آن را در کتاب‌ها می‌خوانیم و آثار برجای مانده از آن را که تجسم عینی آن تاریخ است، بر پهنه طبیعت به نظاره می‌نشینیم و بدین ترتیب باورهای دینی و اسلامی ما تقویت می‌گردد و از این رو تخریب آثار رسول خدا ﷺ و اهل بیت و صحابهٔ آن حضرت، در هر وضعیتی جایز نیست. آنها امانت‌هایی هستند که به دست ما سپرده شده‌اند و چنانچه نسبت به این مواهب الهی شتابزده و بد عمل کنیم، تاریخ از ما به نیکی یاد نخواهد کرد.

اگر عمر بن خطاب دستور بریدن «شَجَرَةُ الْبَيْعَةِ» را [درختی که در منطقه حدیبیه اصحاب در زیر آن، با پیامبر ﷺ بیعت کردند] صادر کرد، برای آن بود که زمان درازی از شرک و بت‌پرستی مسلمانان نمی‌گذشت و او بیم آن داشت که آنها بار دیگر به آن عقاید باز گردند، از این‌رو، جای آن را هم کور کرد،

به گونه‌ای که کسی آنجا را نمی‌شناخت، ولی نظر دیگر صحابه چنین نبود، بلکه آنان هرگاه به سوی مکه حرکت می‌کردند و به آنجا می‌رسیدند، در جایی که به گمانشان نزدیک جایگاه آن درخت بود، نماز می‌گزاردند و بر این کار اصرار آن خطری را که عمر احساس می‌کرد برای آنان به وجود نیامد. اینان خود از همان کسانی بودند که زیر همان درخت با آن حضرت بیعت کرده و پیامبر خدا ﷺ از آنها «خَيْرِ أَهْلِ الْأَرْضِ»؛ «بهترین مردم زمین» یاد کرده بود.<sup>۲۴</sup>

پیوسته این درد قلبم را می‌فشارد و تلخی این خاطره ذائقه‌ام را می‌آزارد که خانهٔ حضرت خدیجه رضی الله عنها را در مکه منهدم ساختند؛ خانه‌ای که ۲۸ سال پیامبر ﷺ در آن زیست و پسران و دخترانش در آنجا به دنیا آمدند و از همانجا به مدینه منوره هجرت کردند.

من به درون آن خانهٔ پربرکت وارد شدم و آن را همانگونه که کتاب‌های تاریخ توصیف کرده‌اند، یافتم.

هم اینک شایعاتی در مورد تخریب بنایی که در جایگاه ولادت پیامبر ﷺ ساخته شده در جریان است، گرچه ساختمان اصلی این هر دو خانه را بیش از

هفتاد سال است که ویران کرده‌اند و به دستور ملک عبدالعزیز، در جای مولد النبّی، کتابخانه و در محل خانة حضرت خدیجه «مدرسة تحفیظ القرآن» ساخته‌اند.

چنانکه شایع است «مسجد البیعه» نیز که در جایگاه بیعت اوسیان و خزر جیان با پیامبر نزدیک منا قرار دارد، به زودی تخریب خواهد شد. این مسجد در سال ۱۴۴ هـ. ق. در آنجا بنا گردید و سپس در سال ۶۲۹ هـ. ق. و نیز در سال بعد بازسازی گردید و تاریخ بنای آن به حدود سال ۶۰۰ هـ. ق. باز می‌گردد.

اگر من بخواهم مساجد و دیگر

اماکن و آثار فراوان مدینه منوره را که منهدم گردیده است بشمارم، این نوشتار به درازا خواهد کشید و به طوری که شایع است، این روند تخریب از این پس نیز ادامه خواهد یافت، ولی در میان همه آن آثار، تخریب قبور اهل بیت علیهم السلام و قبر علی عریضی فرزند امام صادق علیه السلام متوفای سدهٔ سوم هجری، وحشتناک‌تر و نگران کننده‌تر می‌باشد؛ زیرا قبور درگذشتگان هر جا که باشند باید مصون بمانند تا چه رسد آرامگاه کسانی که خداوند به احترام و گرامی داشت آنان امر فرموده است...»<sup>۲۵</sup>

## ○ پانویست‌ها:

۱. بحوث قرآنیة فی التوحید والشُرک، علامه و محقق، جعفر سبحانی.
۲. کَهِف: ۲۱
۳. بحوث قرآنیة فی التوحید والشُرک، صص ۸۱ و ۸۲
۴. کَهِف: ۲۱
۵. «ص»: ۲۶
۶. نیل الأوطار، ج ۴، ص ۱۱۰
۷. پیامبر خدا زنانی را که زیاد به زیارت قبور می‌روند لعنت کرد.
۸. سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۷۲
۹. بحار، ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۸
۱۰. همان، ص ۱۵۰، ح ۲۵



١١. ارشاد، ص ٢٨٧
١٢. إعلام الوری، ص ١، ح ٥٤٨
١٣. بحار، ج ٢، ص ١٤٥، ذیل حدیث ٨
١٤. بحار، ج ٤٧، ص ١٧١، ح ١٦
١٥. کافی، ح ١، ص ٢٥٨، ج ١٢؛ سفینه البحار، ج ٢، ص ٢٤٤
١٦. عمدة الطالب، ص ٢٤١
١٧. روضة المتقين، ج ١٤، ص ١١٩؛ سفینه البحار، ج ٢، ص ٢٤٤
١٨. همان مدرک.
١٩. عمدة الطالب، ص ٢٤١
٢٠. مسائل علی بن جعفر، صص ٢٩، ٣٠
٢١. توضیح المقال، ج ٢، ص ٢٧٣
٢٢. معجم معالم الحجاز، ج ٦، صص ٨٧، ٨٨
٢٣. مستدرک، ج ٣، ٦٢٦
٢٤. صحیح بخاری بحاشیة الامام السندي، ج ٣، ص ٦٩، ح ٤١٥٤ و ص ٧١، ح ٤١٦٢-٤١٦٤
٢٥. رمضان ١٤٢٣ زکی یمانی.

